

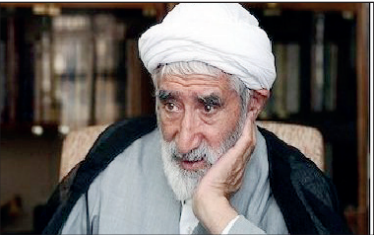
خبر

کنفرانس فلسفه اسلامی در لندن

بسیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی فیلسوفان مسلمان، فلسفه، الهیات و عرفان اکتبر ۲۰۱۹ در لندن،انگلستان بر گزار می‌شود.

محور کلی موضوعات شامل فلسفه اسلامی، فلسفه اولیه، کلام، فلسفه، تفاوت بین کلام و فلسفه، منطق، منطق در قانون اسلامی و الهیات، منطق ارسطویی، منطق ابن سینایی، متافیزیک، استدلال‌های کیهان‌شناسی و هستی‌شناختی، تمایز بین ماهیت وجودی، قیامت، روح، زمان، حقیقت، فلسفه طبیعی؛ کیهان‌شناسی، تکامل، پدیده‌شناسی، فلسفه ذهن، فلسفه آموزش، فلسفه علم، زمینه‌های دیگر؛ معرفت‌شناسی، فلسفه حقوقی، رمان‌های فلسفی، فلسفه سیاسی، فلسفه تاریخ، فلسفه اجتماعی، ابعاد دیگر فلسفه اسلامی: حکمت شرق (حکمت متعالیه)، فلسفه صوفی، مکتب سنتی فلسفه اسلامی معاصر می‌شود.

نقد و بررسی آثار مرحوم احمد احمدی



کارنامه فلسفی دکتر احمد احمدی بررسی می‌شود. مرحوم حجت‌الاسلام احمد احمدی از دانش‌گاه موختگان فلسفه اسلامی و غرب، استاد فلسفه دانشگاه تهران و مدرس علوم عقلی در حوزه علمیه قم خردادماه امسال در گذشت.

وی علاوه بر سال‌ها تدریس فلسفه اسلامی و غرب در حوزه و دانشگاه و حضور در شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ تألیس و مدیریت دانشگاه تربیت مدرس و سازمان سمت را برعهده داشت و از پیشگامان طراحی و تدریس دوره دکتری فلسفه تطبیقی در ایران پس از انقلاب بود. مرحوم احمدی از طریق ترجمه آثار فلسفی دکارت، کانت و آتین ژیلسون، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری فلسفه و مدیریت گروه فلسفه سازمان سمت در تألیف و ترجمه کتاب‌های فلسفی در ایران معاصر نقش آفرین بوده‌است.

نشست هفتگی شهر کتاب روز سه‌شنبه ۲۶ تیر ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه به بررسی و تحلیل «کارنامه فلسفی دکتر احمد احمدی» اختصاص دارد که با حضور غلامعلی حدادعادل، علی افضلی، محمدعلی عبداللهی و مالک شجاعی جشوقانی در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصبیر (بخارست)، نبش کوچه سوم بر گزار می‌شود.

بر گزار ی همایش سهروردی

همایش بزر گذاشت روز سهروردی با عنوان «سهروردی در متن آثارش» با حضور پیشکسوتان فلسفه نظری ابراهیمی دینانی، اعوانی، محقق داماد و حبیبی در هفتم مردادماه جاری بر گزار می‌شود.

همایش بز گذاشت روز سهروردی با عنوان «سهروردی در متن آثارش» با هدف گردهمایی اساتید، پژوهشگران و علاقه‌مندان به حکمت اشراق اندیشه‌های اشراقی سهروردی توسط موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و با همکاری انجمن حکمت و فلسفه ایران بر گزار می‌شود.

این همایش روز دوشنبه هفتم مردادماه جاری ساعت ۱۴ تا ۱۸ در محل سالن همایش‌های موسسه وابستخرانی اساتیدفلسفه نظیر غلامحسین ابراهیمی دینانی استاد دانشگاه تهران، غلامرضا اعوانی عضو فرهنگستان علوم، سیدمصطفی محقق داماد استاد دانشگاه شهید بهشتی، نجفقلی حبیبی استاد دانشگاه تهران، نصر الله حکمت استاد دانشگاه شهید بهشتی، سعید انواری و عارف امامی مهر استاد دانشگاه علامه طباطبائی برپا می‌شود. دبیر علمی و نیز مجری نشست سهروردی، شهین اعوانی معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی است.

در این همایش مباحثی نظیر «سهروردی در عقل سرخ»، «الالواح العمادیه»، «تفسیر قرآن در آثار سهروردی»، «کلمه التصوف»، «مقدمه حکمه الاشراق»، «ر ساله فی حقیقه العشق» و «بنایش‌های سهروردی» مطرح می‌شود.

بررسی الگوی توسعه اقتصاد شیعیان لبنان از دیدگاه امام موسی صدر



الگوی توسعه اقتصاد شیعیان لبنان از دیدگاه امام موسی صدر با سخنرانی سید کاظم صدر بر گزار می‌شود. پنجاهمین نشست «اندیشه و عمل» به بررسی الگوی توسعه اقتصاد شیعیان لبنان از دیدگاه امام موسی صدر اختصاص پیدا می‌کند.

در این نشست سید کاظم صدر، کارشناس اقتصادی بهار ایه دیدگاه‌های خود می‌پردازد.

این جلسه یکشنبه ۲۴ تیرماه از ساعت ۱۶:۳۰ به نشانی میدان هفت تیر، بالاتر از مسجد الجواد، کوچه شریعتی، پلاک ۱۰ برپای می‌شود.مهر

سیاست‌نامه

جامعه‌شناسی

Info@etemadnewspaper.ir

شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۷، ۳۰ شوال ۱۴۰۱،۴۲۹ جولای ۲۰۱۸، سال شانزدهم، شماره ۴۱۳۳

ادامه از صفحه اول

فصیلت شفافیت

چهرمی را رو کرد تا هم رکورد جوان‌گرایی را بشکنند و هم دهان منتقدین این‌طرفی و آن‌طرفی‌اش را ببندد. اما نیست. نه تنها نیست بلکه موج سهمگینی از مخالفت را باعث شد که در کش ساده نبود. حتی ما که ناظر بودیم و دور خبرها را بی می گرفتیم، نمی‌توانستیم در ک کنیم که چهرمی چه‌مشکلی دارد و ریشه‌اش این همه تقابل با او در کجاست. خاطر تان باشد یک‌دفعه صفحات تلگرام‌وا اینستاگرام پر شداز افشاگری علیه چهرمی و چپ و راست، بیشتر چپ بدگویی از او را در دستور کار خود قرار دادند چیزی که جالب بود این بود که طرفداران روحانی -غالباً جوانانی که منتسب به جریان‌های اصلاح‌طلبی بودند- اسم چهرمی را که می‌شنیدند خشمگین می‌شدند و داد و بیباده راه می‌انداختند و به زعم خود، سندن رو می‌کردند که این مرد جوان دشمن دموکراسی است، احمدی‌نژادی است، پیش از اینها رییس شنود بوده، در هشتاد و هشت تقلید صدا کرده، شخصاً آتش‌بیار معر که بوده‌و در به هم‌زدن اوضاع دست داشته‌و... آن کانال تلگرامی‌ کذآ، مدرک جعل کرد که او با جو بوده، شکنجه‌گر بوده... اولین موج ناامیدی را یادتان باشد کانال‌های مجهول‌الیهو به تلگرامی، سر انتخاب چهرمی راه‌انداختند و یک دفعه جوی درست‌شد که ملت گمان بردند که اگر چهرمی رای بیورد مملکت به باد می‌رود و... این حرف‌ها مال ازمنه ضامیه نیست، مال همین تابستان گذشته است و یادآوری‌اش نباید سخت باشد. اتفاقاً مناسب است -من هم به دلایلی اصرار دارم- تا یک سال قبل را با جزئیات کامل و با آن مجموعه فراگیر بسته‌ها و کامنت‌ها و اخبار جعلی به یاد بی‌آورید و قدری دربار آنچه گذشت تأمل کنید و از خودتان برسید که چه کسی و چه گروهی و با چه نیت و انگیزه‌های رای نیابورن چهرمی را تبدیل به مساله حیثیتی کرد و کار را بر دولت و ملت و اصلاحات سخت کرد. آنقدر شو‌لوش کردند که نماینده‌های اصلاح‌طلب و امیدوار مجلس هم دست و دل شان لرزید که کندند با رای دادن به جوان‌ترین عضو کابینه به آن زمان‌های انقلاب و خواست مردم و آینده اصلاحات خیانت کنند و به‌دست خود مقدمات شوند و بگنیز و ببندند و محدودیت‌ها فراهم سازند...و اگر می‌توانید بدانید دست و دل نماینده‌ها چقدر لرزید، خوب است بروید و رای ناپلونی چهرمی را با تعداد رای دیگری روزنامه‌بند کنید تا حساب کار دست‌تان نباید که تبلیغات چقدر موثرند و چقدر نافذندو چقدر می‌توانند ما را به‌جرایی که می‌خواهند ببرند. به‌ضرس قاطع می‌نوشند ما خبر داریم چهرمی چه در سر دارد و خودمان به چشم خودمان دیده‌ایم که او چه کاره است... اما، سه‌ماه که گذشت معلوم شد همه این حرف‌ها کشک بوده‌و همه آن امواج شیطانی بابت سنگ‌های دروغی بوده که چهرآ تا کانال تلگرای می‌در بر کفت‌ای مجرای‌انداختی امروز الحمدلله ماهیت خیلی از این کانال‌ها معلوم شده‌و حتی بچهدر سنس‌های هم فهمیده‌اند که اینها ک تراخ و پول می‌گیرند و با چه انگیزه‌ها و نیت‌هایی دروغ و ناامیدی تولید می‌کنند. اما با آن جنم کانال از جانب آنها می‌توانستیم

و هنوز هم به مناسبت‌هایی از خبرها و عکس‌های دروغ‌نکی فریب می‌خوریم و دانسته‌و ندانسته با‌سواج خطرناکی همراه می‌شویم که جز خرابی و نکبت حاصلی ندارند. چهرمی در همین یکسال نشان داد وزیر قابل است و بیش از همه‌کراتش دنبال احقاقی حق ملت است و هوشمندانه و حساب شده جلوی زیاده‌خواهی‌ها و حق‌خوری‌ها ایستاده. من زبان تمجید از ارباب قدرت را بلد نیستم و هیچگاه قلم به مدح و ثنای وزیر و و کیل نچرخاندم نمی‌چرخم. کار روزنامه‌نگار رصد اخبار است و نقد سیاست و قدرت، اما کاری که جهرمی شروع کرده‌به‌نظم نیازمند حمایت و قدردانی است. این حمایت البته که باید با نقد سازنده همراه باشد، ان ش‌الله خواهد بود. اما عجالتاً نباید تلاش و کوشش این وزیر ونگار را محدود کرد. پارسی‌ها بازاری‌ها با کیم، او در برهه‌هایی نشان داد که جای درستی استاده و نسبت به حق و حقوق ملت بی‌اعتنا نیست. کاری که امروز می‌کند در ردیف کارهای ملی است و نیازمند حمایت ملی. امروز گوید پارزیت‌ها در ملودتی مردم را نشاندهند. همین هم‌طور آزادی شهروندان را محدود کرد.داند. این حرف را سال‌هاست که روزنامه‌نگاران و خیرخواهان جامعه و نمایندگان مردم می‌زنند. اما با حرف تنها که نمی‌توان خستی را احقاقی کرد یا جلوی تضییع حقی را گرفت. این حرف تا مستظهر به‌قدرت دولت واداره حاکمیت نباشد، نمی‌تواند جامعه و اصلاح‌کنندو اقدامی مفیدوسازنده را باعث‌شود. برای همین حضور تمام‌قد وزیر در برابر وزارت‌تهای مخارراتی می‌تواند اصلاحات‌مبنایی را سرعت ببخشد و مردم را نسبت به احقاق حق شان امیدوار کند. تعمیری که چهرمی در مقابله با پارزیت‌ها به کار می‌برد تعبیر درست و هوشمندانه‌ای است: حق الناس. کار دولت، بلکه وظیفه حکومت پاسلداری از حقوق مردم است. این حق را گاهی سودجویانی اقتصادی ضایع می‌کنند، گاهی آنها که به اسم دلسوزی یا صلاح و مصلحت قلم‌بانه برای ملت تصمیم می‌گیرند. اما کافی است جلوی‌شان بایستیم و تا آنجا که ممکن است هزینه‌حق‌کنشی را بالا ببریم. ضمن اینکه هیچ امری مثل «شفاف‌سازی» نمی‌تواند دست ضایع‌کنندگان حقوق مردم را ببندد و جلوی آنها را بنا به‌هراز توجهی، خود را بر تر از مردم در بند نکند. دولت روحانی البته که عیب‌هایی قابل اعتنادر آما یک حسن دارد که همه‌ان عیب‌ها را قابل تحمل می‌کند. حسن بزرگ دولت روحانی تلاش اوست برای شفاف‌سازی. چه آنجا که پرده از روی اقارم واعداد، بده‌چود برمی‌دارد، چه آنجا که قرار‌دها را از حالت یواشکی و زیرجلگی درمی‌آورد، چه وقتی که میزان و مبلغ ازهای دولتی و خصوصی را منتشر می‌کند و چه اینجا که وزیر از تطابقت وضعیت کس‌ندان پارزیت‌ها را آشکار می‌کند، نشان از عزم دولت دارد. این شفاف‌سازی، شاید همین تلاش برای شفاف‌سازی بیشتر است که یک عده خاص را به صرفت می‌اندازد: تا جریان‌های مخالفت با دولت را تشدید کنند یا با مناسبت و بی‌مناسبت موج‌های شیطانی راه بیندازند و مردم را از انتخاب درست‌نشان دلسرد کنند. پارسال خیلی‌ها سر چهرمی بازی کردند. اما چرا چیزی که نمی‌دانستند چیست و کیست مخالفت کردند، اما مومن از یک سو راخ دیوار گزیدند نمی‌شود. یعنی باید موابط باسیم مجدداً بازی نخوریم و این روند شفاف‌سازی را با تمناهای بی‌موقع متوقف نکنیم و این همه را حجت به‌اندوه ندانست، بلکه لازم است با پشتیبانی مطالبه‌محور از دولت در صحنه حاضر شویم و تداوم شفاف‌سازی را حمایت کنیم. از دیگر روزا هم بخواهیم که قدری به‌دست وزیر جوان نگاه کنند و راه و روش او را بی‌گرددند. شفاف‌سازی می‌تواند جلوی خیلی از شفاف‌سازی‌های همین «رسانه‌ها» هستند که مجرئات تکنولوژی کار را بر کسی و جایی که می‌خواهند آزادی‌شان را اسلب کند سخت کرده. تنها چیزی که سرسازدها را از بین می‌برد و نابودشان می‌کند دروغ و پنهان‌کاری است.



تحلیلی از وضعیت جامعه ایران در گفت‌وگو با سعید مدنی

افزایش نابرابری‌ها محصول همبستگی اجتماعی است

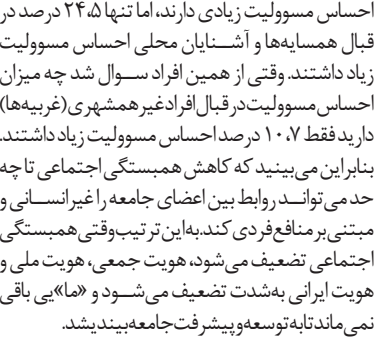
پرورش ناکارآمد و عقب‌مانده آموزش دیده و سپس وارد نظام اجتماعی-اقتصادی، فاسد و غیردموکراتیک شده‌دبهبی است که احساس مسوولیت اجتماعی نداشته باشد، دهبیی است که برایش منفعت فردی از منافع جمعی و ملی بیشتر اهمیت داشته باشد، دهبیی است که کمترین اهمیتی برای ارزش‌های اجتماعی که محصول آن فقر و نابرابری و ریا و سواستفاده است، قائل نباشد. هیچ‌یک از اینها غیرمنتظره نیست. بنابراین به نظر بنده نباید به دنبال دلایل خرد یا شرایط جهانی و جدید اما اگر احساس مسوولیت اجتماعی نداشته باشیم زیرا بخش عمده دلایل وضعیت موجود با مدیریت کلان نظام اجتماعی مرتبط است. سیاست‌های اجتماعی مرتبط با حتی بی‌سیاستی اجتماعی در همه حوزه‌های علم یا حتی زندگی روزمره مردم ایران، دارای برخی ایرادات جدی هستند و خسارات این تصمیمات تا سال‌ها همبستگی اجتماعی را در جامعه ایران تضعیف می‌کند. باید اشاره کنم تضعیف همبستگی اجتماعی راست و چپ، اصلاح‌طلب و اصولگرا نمی‌شاسند و مساله‌ای ملی است. متأسفانه نشان‌های هم از وجود اراده‌ای برای چرخش و اصلاح این سیاست‌ها دیده نمی‌شود.

■ بی‌تصور ی که شما از وضعیت نسل جوان ایران ارا به کردید یا مایا پد منتظر چه پیامدهایی باشیم؟
حاصل تضعیف همبستگی اجتماعی نیاز به توضیح ندارد، ما همین امروز در جامعه ایران شاهد پیامدهای تضعیف همبستگی اجتماعی هستیم. شاخص‌های وضعیت اجتماعی را ملاحظه نشسان کردیم: همین گردش نقدینگی از حوزه‌ای به حوزه دیگر بدون کمترین احساس مسوولیت نسبت به عواقب ملی آن را ببینید. بی‌ثباتی و ناپایداری اجتماعی-اقتصادی و حتی سیاسی از پیامدهای انکارناپذیر تضعیف همبستگی اجتماعی است. این فساد روزافزون که به سرعت همه اقدشار اجتماعی را دربر گرفته، کاهش یا نابودی روحیه تولید ملی و افزایش دلالی و غارتگری، تخریب محیط‌زیست، افزایش خسونت اجتماعی، نقض بی‌درزی قوانین و مقررات جاری، بی‌اعتمادی به برخی نهادهای حاکمیتی همه پیامدهای تضعیف همبستگی اجتماعی یعنی کاهش کشش درونی افراد و گروه‌ها به «ما»ی ملی و ایران است.

■ توضیح دادید که در اصل‌های از بالا در زمینه تقویت همبستگی اجتماعی اثر بخش نیست؛ با این اوصاف چه باید کرد؟

به نظر بنده راه‌ایه‌های کنترل و اصلاح وضعیت موجود بدون توضیح پیش‌فرض‌ها خطا است. بنابراین ابتدا پیش‌فرض‌ها را مطرح می‌کنم؛ اولین پیش‌فرض من این است که مشکلات موجود نیازمند اصلاح ساختاری هستند و علل وضعیت کنونی سیاست‌ها و برنامه‌ها تنها محدود به قوه مجریه نمی‌شود. پیش‌فرض دوم این است که وضعیت کنونی حاصل سیاست‌های کلان در دهه‌های گذشته که در دولت محمود احمدی‌نژاد و به دنبال خطاهای کلان آن دولت بسیار تشدید شد. بنابراین تجدیدنظر در سیاست‌های اقتصادی، سیاست خارجی و سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی برای ایجاد و تقویت همبستگی اجتماعی الزامی است. پیش‌فرض سوم این است که بدون ایجاد وفاق ملی و به رسمیت شناختن همه نیروهای ملی و پاینده به منافع ملی و مومن به حفظ تمامیت ارضی فارغ از تفاوت‌های فکری، سیاسی و امثال آن و جلب مشارکت همه آنها نمی‌توان همبستگی اجتماعی را تقویت کرد. پیش‌فرض چهارم این است که بدون کنار گذاشتن و یکپارده‌امینتی به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امکان‌گذار از وضعیت کنونی ممکن نیست. از این رو خارج کردن برخی نهادهای غیر مرتبط از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای برون‌رفت از شرایط کنونی اجتناب‌ناپذیر است. پیش‌فرض پنجم عبارت است از اینکه اصلاحات ساختاری در اقتصاد و اجتماع نمی‌توانند بدون اصلاحات سیاسی موفق‌شود اعتماد را به جامعه بزرگ‌راند. پیش‌فرض آخر هم این است که بدون عزم جزم برای مبارزه با فساد و اصلاح رویه‌ها و قوانین جاری با مدیریت نهادی مستقل و پاک‌دست نمی‌توان ادعای همبستگی اجتماعی و وفاق ملی داشت. تحقق همه این پیش‌فرض‌ها از طریق گفت‌وگوی ملی بین همه نیروهای حاضر در جامعه ایران با کنار گذاشتن رویکرد خودی-غیر خودی ممکن خواهد شد.

فقدان همبستگی اجتماعی هم ارزش‌های اجتماعی مشترک و متعارف تضعیف می‌شوند و هم تمایل به کسب منافع و لذت فردی حتی به قیمت پایمال شدن حقوق دیگران به‌ویژه حقوق جمعی افزایش می‌یابد. اگر شما کارمند اداری باشید و با وجود حداقل در آمد احساس همبستگی و تعلق اجتماعی داشته باشید وقتی کسی از شما می‌خواهد تا یا نقض حقوق دیگران و با دریافت رشوه‌ای که معادل درآمد یک ماه یا بیشتر شماست کار او را بریندازند، احتمال کمی دارد این خلاف را انجام دهد اما اگر احساس مسوولیت اجتماعی نداشته باشیم حتی زیر دوربین‌هایی که از چهار طرف شما را مانیور می‌کنند رشوه را دریافت می‌کنید چون اولویت منافع شماست و نه چیز دیگر. امروز در جامعه ایران به لطف نبودساز ی همبستگی و مسوولیت اجتماعی در چنین شرایطی قرار داریم. جالب این است که راه‌حل اصلی برای چنین وضعیتی تنها تنبیه متخلفان است و ایجاد ترس بیرونی برای مقابله با این شرایط و خیم به عبارت دیگر سعی بر ایجاد همبستگی اجتماعی از بالا؛ سیاستی که حاصل آن در دوران جنگ در سال‌های پس از انقلاب دنبال شده است. اما واقعیت آن است که ما نیاز به همبستگی مبتنی بر نیاز و گرایش درونی داریم. اجازه دهید باز هم برگریم به نتایج مطالعه وزارت کشور درباره سرمایه اجتماعی. در این مطالعه نشان داده مشدری (گریبه) همکاری و تعاون‌گرایی فقط ۱۴٫۵ درصد مردم زیاد و خیلی زیاد است. در مقابل ۳۸٫۹ درصد مردم تمایل کم و خیلی کمی به تعاون‌گرایی دارند. در همین مطالعه ۸۱٫۱ درصد پاسخگویان ادعا کرده‌اند که در قبال خانواده‌شان احساس مسوولیت زیادی دارند، اما تنها ۲۴٫۵ درصد در قبال همسایه‌ها و آشنایان محلی احساس مسوولیت زیاد داشتند. وقتی از همین افراد سوال شد چه میزان احساس مسوولیت در قبال افراد غیر همشری (گریبه) دارد فقط ۱۰٫۷ درصد احساس مسوولیت زیاد داشتند. بنابراین می‌بینید که کاهش همبستگی اجتماعی تا چه حد می‌تواند روابط بین اعضای جامعه را غیرانسانی و علاوه بر این در چنین شرایطی افراد با گروه‌هایی برای مبتنی برمنافع فردی کند. به این ترتیب وقتی همبستگی اجتماعی تضعیف می‌شود، هویت جمعی، هویت ملی و هویت ایرانی به‌شدت تضعیف می‌شود و «ما»یی باقی نمی‌ماند تا توسعه‌و پیشرفت جامعه ببیند.



- وقتی همبستگی اجتماعی تضعیف می‌شود، هویت ملی و هویت ایرانی به‌شدت تضعیف می‌شود و «ما» بی باقی نمی‌ماند تا به توسعه و پیشرفت جامعه ببنند یشد**
- هرگاه نظم اجتماعی، درونی باشد، همبستگی طبیعی شکل می‌گیرد.**
- هنجارها به‌ه ارزش‌ها جنبه عملی می‌دهد و در ضمن به وسیله ارزش‌ها مشروعیت می‌یابند.**

■ دور‌گیم، یکی از نظر به درازان مهم‌در زمینه همبستگی اجتماعی است. او کاهش همبستگی اجتماعی را عاملی موثر در نابرابری و سلامت می‌داند. وقتی همبستگی اجتماعی کاهش می‌یابد شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر می‌شود؛ اما سوال اینجاست که چطور نبود یا کمبود همبستگی اجتماعی می‌تواند منجر به آسیب‌های اجتماعی شود؟
دور‌گیم یکی از نظر به‌پردازان مهم در زمینه همبستگی اجتماعی است. او کاهش همبستگی اجتماعی را عاملی موثر در نابرابری و سلامت می‌داند. وقتی همبستگی اجتماعی کاهش می‌یابد شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر می‌شود و نابرابری‌ها افزایش پیدا می‌کنند. در شرایط ما هم با شنیدگی نهاد خانواده، جرم و جنایت، مصرف مواد مخدر، قتل، پرورنده‌های قضایی و امثال آن نتایج چنین وضعیتی است. در این شرایط احساس تعلق به ویژه در سطح ملی کاهش می‌یابد.

■ چه عواملی باعث تضعیف همبستگی اجتماعی در ایران شده است؟ چقدر وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم در این وضعیت اثر گذار است؟
بزرگ‌ترین اشتباه این است که تصور شود تضعیف همبستگی اجتماعی مساله‌ای صرفاً اقتصادی است. توضیح علل این وضعیت چندان دشوار نیست. توجه داشته باشید که همبستگی اجتماعی در گروه‌های سنی جوان (۱۸ تا ۲۹ سال) به‌شدت کمتر از دیگر گروه‌های سنی است. از روابه‌ای دیگر نسلی که از اواسط دهه ۱۳۶۰ متولد شده و در نظام خانواده به‌شدت آسیب‌دیده بزرگ شده، در نظام آموزش و

همبستگی اجتماعی درونی‌شده در کشور ما بسیار ضعیف شده‌است.

■ دقیقاً چه شواهدی وجود دارد؟

اجازه دهید به نتایج پژوهش سنچس سرمایه‌اجتماعی کشور در سال ۱۳۹۴ که از سوی وزارت کشور منتشر شده است، اشاره کنم. مطابق این مطالعه میانگین سرمایه اجتماعی در دامنه ۱ تا ۵ برابر با ۲٫۷۹ بوده است و ۱۴ استان سرمایه اجتماعی کمتر از میانگین کشوری داشته‌اند. مطابق همین مطالعه سرمایه اجتماعی در گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، شهر نشین‌ها، افراد با تحصیلات عالی، افراد بیکار و محصلان و مجردین کمتر از دیگر گروه‌ها است. معنای این وضعیت، یعنی پایین بودن همبستگی اجتماعی آن است که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مشترک در جامعه ایران تضعیف شده‌اند، مسوولیت افراد کاهش یافته است، همبستگی اجتماعی بسیار آسیب‌پذیر شده، احتمال وقوع تنش‌های اجتماعی افزایش یافته، بیش از همیشه اعتماد اجتماعی زایل شده و در مقابل تمایل به حفظ منافع فردی و در پی قیمت زیر پا قرار دادن منافع عمومی و ملی بیشتر و بیشتر شده است. فاجعه وقتی بیشتر خود را نشان می‌دهد که بدانیم این وضعیت در گروه‌های سنی جوان و تحصیلکردگان و گروه‌های نخبه اجتماعی بیشتر از سایر گروه‌ها شده است.

■ به همین دلیل است که برخی جامعه‌شناسان در تحلیل اخبار مربوط به آسیب‌های اجتماعی، آن‌ها را ناشی از نبود همبستگی اجتماعی می‌دانند؟

بله، وقتی درجه‌ناسازگاری و ناهماهنگی میان محیط و ارزش‌هایبیش از اندازه باشد یا به عبارت دیگر همبستگی اجتماعی وجود نداشته باشد وضعیتی نامتعادل پدید می‌آید. از نشان‌های این وضعیت نامتعادل، افزایش تمایل به نقض هنجارهای اجتماعی و گرایش به جرم و رفتارهای غیرمتعارف فردی و خانوادگی است. یک کشور برای اعضای خود دارد و همه نیروهای انگ‌زیشی که بر پیوند و ارتباط جمع و فرد ات دارد. این عوامل پیونددهنده هم در درون فرد و هم بیرون از او قرار دارند. برخی نقش عوامل بیرونی را در همبستگی یا وفاق اجتماعی موثر دانسته‌اند و بر نقش نظم اجتماعی مستقر و نظام سیاسی در شکل‌گیری همبستگی اجتماعی تأکید کرده‌اند. از این منظر هر گاه نظم اجتماعی، بیرونی و محصول نظم سیاسی مستقر باشد، وفاق اجتماعی شکل می‌گیرد که عموماً تصنعی است یعنی از بالا به پایین است. در این نوع از همبستگی اجتماعی اعضای جامعه با توجه به منافع خود به سنازگاری بیرونی تن می‌دهند؛ از این رو همبستگی اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده است زیرا اعتماد اجتماعی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته و بالاخره سرمایه اجتماعی ضعیف است یا اصلاً وجود ندارد. این نوع همبستگی اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده، محدود، سطحی و آسیب‌پذیر است. نکته مهم آنکه در جامعی که همبستگی اجتماعی تابع نظم سیاسی بیرونی و از بالا است، با دچار مساله شدن نظام سیاسی، همبستگی اجتماعی هم دچار هر چومرج و آشفتگی و در نهایت تضعیف می‌شود. اما هر گاه نظم اجتماعی، درونی باشد، همبستگی اجتماعی طبیعی شکل می‌گیرد. این نوع همبستگی اجتماعی حاصل اعتماد اجتماعی متقابل، همدلی ملی و کشش درونی است. در این نوع جوامع فعالیت‌های داوطلبانه که حاصل نوعی احساس تکلیف ووظیفه‌جمعی است، رونق بسیار دارد. صاحب‌نظران علوم اجتماعی به اثر گذاری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی یعنی نمادهای تعریف‌شده‌ای که مورد پذیرش همه هستند بر همبستگی اجتماعی اشاره کرده‌اند. ارزش‌ها به افراد کمک می‌کند تا بدون اینکه نیازی به شناخت انگیزه‌های شخصی دیگران داشته باشند، وکنش افراد را نسبت به عمل خود پیش‌بینی کنند. هنجارها به ارزش‌ها جنبه عملی می‌دهد و در ضمن به وسیله ارزش‌ها مشروعیت می‌یابند. ارزش‌ها و هنجارها و دیگر نمادهای فرهنگی، شرط لازم برای ایجاد همبستگی اجتماعی هستند، ولی کافی نیستند؛ بلکه افزون بر اینها تطبیق‌پذیری و هماهنگی نظام اجتماعی با شرایط محیطی نیز ضرورت دارد. تا وقتی ارزش‌های یک جامعه و واقعیت‌های یک محیط با هم سازگار باشند، جامعه از تنش‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها بر کنار است و به‌دیگر سخن همبستگی آن بسیار است. شواهد بسیار نشان می‌دهد مولفه‌های